

تحلیل تاریخی مقارن سازی جشن نوروز و غدیر در عصر صفوی

وجیهه میری^۱، مصطفی پیرمردیان^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2021.5171

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۲۴

نوع مقاله: ترویجی

چکیده

نوروز نخستین روز از سال خورشیدی است که در قالب جشنی باشکوه در ایران پیش از اسلام برگزار می شده است؛ پس از اسلام، برگزاری جشن نوروز میان مسلمانان به افول گرایید، تا اینکه در دوران بنی امیه و به خصوص در عهد بنی عباس، جانی دوباره یافت. این جشن در عصر صفوی، به عنوان عصر بازیافت وحدت ملی ایران پس از اسلام، به شکوه سابق خود دست پیدا کرد؛ هدف این پژوهش تبیین چیستی و چرایی پیوند میان جشن باستانی نوروز با آموزه های شیعی به خصوص جشن غدیر در عصر صفوی است؛ پژوهش حاضر سعی دارد با روش توصیفی - تحلیلی به دو پرسش در این باره پاسخ دهد: ۱- شواهد پیوند نوروز با غدیر در عصر صفوی چیست؟ ۲- چرا در عصر صفوی نوروز با آموزه های شیعی مقارن سازی شد؟

شواهد پیوند میان نوروز و غدیر در عصر صفوی را می توان در برخی مصادر حدیثی، سفرنامه ها و نوروزنامه هایی که در آن دوران تألیف شد ریشه یابی نمود. این مقارن سازی تلاشی از سوی حکومت صفویه برای گسترش تشیع میان ایرانیان، مقابله با دولت سنی مذهب عثمانی،

^۱ - دانش آموخته دکتری تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسدول) vajiheh.miri@gmail.com

^۲ - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، mostafapirmoradian@yahoo.com

بهره‌مندی از هدایای نوروزی و استحکام نوروز بود.

کلید واژگان: تشیع، صفویه، غدیر، نوروز، نوروز نامه.

۱. مقدمه

جشن باستانی-ایرانی نوروز در عهد بنی‌امیه، به دلیل منافع مالی، مورد توجه دستگاه خلافت قرار گرفت و در عصر بنی‌عباس با نفوذ وزرا و خاندان‌های ایرانی، دوباره در کانون نظر واقع شد. با سقوط خلافت، وحدتی که تحت عنوان جامعه اسلامی به وجود آمده بود از میان رفت و عناصر جامعه متلاشی شده به سمت یافتن هویت تاریخی خود سوق پیدا کردند تا اینکه صفویان توانستند هویت ایرانی را با تشیع سازگار کرده و دولت ملی را تشکیل دهند. از این زمان است که شاخصه‌های ملی در نوشته‌های اندیشمندان شیعی ایرانی متجلی می‌شود. در این‌بین، هدف موردنظر پژوهش حاضر، تبیین پیوند ایجاد شده میان جشن باستانی نوروز با جشن غدیر در عصر صفوی، و با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع نوروز مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است؛ این آثار را می‌توان به سه شاخه تفکیک نمود:

الف: آثار نوشته شده پیرامون تاریخچه و آیین‌های نوروز:

بخش وسیعی از آثار نوشته شده پیرامون نوروز، اختصاص به بررسی تاریخچه این جشن باستانی و آیین و رسوم مربوط به آن دارد؛ مقالاتی مانند *نوروز در حوزه تمدنی ایران و آسیای میانه* از زینب صدیقی؛ *نوروز از آغاز تا امروز* از فیروزه قندهاری؛ *آیین نوروز* از نصرت‌الله فروهر؛ *پیشینه و فلسفه نوروز* از منیژه اباذری؛ *نوروز با آغاز سال مالی در ایران دوره میانه* از دل آرا مردوخی؛ *برگزاری نوروز در تخت جمشید* از علا سامی،

نوروز و حضرت زردتشت در آیین فرهنگ گرجستان از محمد علی سجادیه؛ **بررسی جشن باستانی نوروز و انعکاس آن در هنر دوران هخامنشی و ساسانی** از مهتاب مبینی و زهره منصور پناه.

در این رابطه می‌توان به اثری از ناهید حبیب آذر به نام **کتابنامه نوروز** اشاره کرد که در آن به جمع‌آوری عناوین آثار نوشته شده در موضوع نوروز اهتمام نموده است. در بخش اول این کتابنامه ۵۸ عنوان کتاب در رابطه با نوروز ذکر شده است. تمام این کتب به بحث جشن نوروز و آیین‌های نوروزی پرداخته است. بخش دوم این کتابنامه مشتمل بر ۲۵۵ عنوان مقاله پیرامون موضوع نوروز است. این مقالات نیز به بررسی نوروز و آیین‌های نوروزی اهتمام نموده است؛ مانند **سیری در نوروز** از آذر امیر اسماعیل، **نوروز بزرگترین جشن باستانی** از علی بلوکباشی، **سابقه تاریخی نوروز** از اکبر آزاد، نوروز باستانی از علیقلی اعتماد مقدم. بخشی از این مقالات نیز به بررسی نوروز در مناطق گوناگون اهتمام نموده‌اند؛ مانند **نوروز در لرستان** از حمید ایزدپناه، **مراسم نوروز در مازندران** از هوشنگ پور کریم، **جشن نوروز در پاکستان** از محمد حسین تشیری.

ب: آثار نوشته شده پیرامون ارتباط نوروز و اسلام:

برای برخی نویسندگان این مسئله دارای اهمیت است که رابطه‌ای میان نوروز به عنوان جشنی ملی با اسلام پیدا کنند. بر همین مبنا میان مقالات نوشته شده پیرامون نوروز، به آثاری بر می‌خوریم که به دنبال بررسی این امر برآمده‌اند؛ به عنوان نمونه **نوروز در تاریخ و اسلام**: اثری از سیدجواد مدرسی. این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش برآمده است که آیا اسلام، عید نوروز را به رسمیت شناخته و یا آن را مردود شمرده است؟ در بخش اول این مقاله، نوروز از حیث تاریخی به اختصار مورد بررسی قرار گرفته است و در بخش دوم، به بررسی حکم شرعی آن پرداخته شده است؛ در مقاله **اسلام و سنت‌های ملی ایرانیان**، نویسنده سعی می‌کند پیوند نوروز با برخی اصول اسلام را بررسی کند؛ مثل اهمیت دادن به ارواح مردگان در اولین روز نوروز که به نوعی در پیوند با مسئله معاد در اسلام است؛ **راز ماندگاری عید نوروز در دوره ایران اسلامی**، از محمود بشیری؛ از نظر نویسنده یکی از عوامل ماندگاری نوروز در این است که بنیاد و ماهیتی مذهبی دارد. او معتقد است خلقت و آفرینش جهان و نخستین انسان با عید نوروز و آغاز فصل بهار در ارتباط است. در نهمین صفحه از این مقاله به نقل از علامه مجلسی،

به شکسته شدن بت‌ها در کعبه مقارن با عید نوروز توسط امام علی ه اشاره شده است. ضمن اینکه در بخشی از این حدیث از این مسئله که نوروز روزی است که در آن متوقع ظهور امام زمان هستیم نیز سخن به میان آمده است؛ اما در این اثر از پیوند میان نوروز و عید غدیر در عصر صفوی مطالبی بیان نشده است. **نوروز در فرهنگ ایران**، اثری از محمد میرشکرایی. در بخشی از این مقاله به ارتباط میان نوروز و اسلام پرداخته شده است. در چهارمین صفحه از این مقاله و به صورت بسیار مختصر به این مسئله که در عصر صفوی، در پیوند با عناصر آیینی تشیع، نوروز و عید غدیر همزمان شد، اشاره شده است. اما از آنجا که پرداختن به این مهم، مسئله مورد نظر نویسنده نبوده است، به تحلیل آن نپرداخته و هدف خود را به تبیین مراسم نوروزی معطوف نموده است.

ج: آثار نوشته شده پیرامون نوروز در عصر صفوی:

از آنجا که موضوع نوشتار حاضر، حیظه زمانی دوره صفویه را شامل می شود، بخش مهمی از پیشینه این تحقیق را مقالات نوشته شده پیرامون نوروز در عصر صفوی در برمی‌گیرد که البته آثار زیادی را به خود اختصاص نداده است. بخشی از مقاله **نوروز در فرهنگ شیعه** از رسول جعفریان، شامل مباحث مربوط به نوروز در عصر صفوی است. در واقع، این مقاله مباحثی مانند مبنای محاسبه روز نوروز، نوروز در منابع کهن شیعی، نوروز در منابع اهل سنت، نوروز در منابع شیعی قرن هفتم به بعد، نوروز و نوروزیه‌های دوره صفوی و فهرست نوروزیه‌ها را شامل شده است. ضمن اینکه نویسنده، دو گزارش نیز از رساله آقا رضی قزوینی و رساله خواجه‌ی پیرامون نوروز ارائه کرده است. اما از آنجا که قصدی در تبیین پیوند دو جشن نوروز و غدیر نداشته است، این مسئله را محور کار خود قرار نداده است. مقاله دیگر که می‌تواند در زمینه نوروز در عصر صفوی مورد توجه قرار گیرد، **نوروزیه و نوروزیه‌نویسی در عصر صفوی** است از زهره سرشناس و محسن جعفری. در این پژوهش، بر پایه نسخ خطی موجود، به معرفی نوروزیه‌ها پرداخته، و روند زمانی نگارش، ویژگی‌های زبانی و ادبی و ساختار محتوایی این رساله‌ها بررسی شده است که مواردی چون تعیین روز نوروز، فضایل نوروز، اعمال و ادعیه نوروز، خوراک نوروز، پوشاک نوروز و وجه تسمیه نوروز را شامل می‌شود. این اثر نیز ارتباط مؤثری با موضوع پژوهش حاضر ندارد؛ چراکه پرسش‌ها و فرضیه‌های متفاوتی را پیگیری کرده است؛ مقاله دیگری که می‌تواند در این راستا معرفی شود، **نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و**

قاجاریه نام دارد که اثری از علیرضا دارابی است. در این مقاله عناصر آیینی نوروز مانند تعیین زمان و اعلام تحویل سال، هدیه دادن، دید و بازدید و ... در ادوار صفویه و قاجاریه در انطباق با یکدیگر بررسی شده است؛ بر این اساس رویکردی به مسئله ارتباط نوروز و غدیر اتخاذ نکرده است.

با توجه به آنچه در پیشینه تحقیقات انجام شده در موضوع نوروز ارائه شد، موضوع نوشتار حاضر، یعنی تحلیل مقارن‌سازی جشن نوروز و غدیر در عصر صفوی، موضوعی بدیع است. پرداختن به این مهم که نشان از تلاش دولت صفوی در پیوند آیینی ملی با بزرگترین جشن مذهبی شیعیان دارد، می‌تواند بخشی از برنامه و سیاست حکومت صفوی را در تثبیت قدرت و نیز بسط تشیع تبیین نماید. تکیه پژوهش حاضر بر مصادر حدیثی عصر صفوی، نوروز نامه‌های معرفی شده در *الذریعه الی تصانیف الشیعه* و نیز سفرنامه‌های این دوران است.

۲. بحث

نوروز به معنای روز نوین، بر نخستین ماه سال خورشیدی، اطلاق می‌شود. (اذکایی، ۱۳۵۳: ۶) و از آن به عنوان بزرگترین اعیاد فارسی‌زبانان (مسعودی، بی تا: ۱۸۴)، «رأس سنتهم» (یعقوبی، بی تا: ۱/ ۱۷۵) و جشنواره ملی - ایرانی (سیوری، ۱۳۸۰: ۱۷۶) نام برده‌اند.

باشکوه‌ترین دوره برپایی نوروز قبل از اسلام به زمان ساسانیان تعلق داشت. (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۲/ ۴۷۸) بار عام از جمله مراسمی بود که پادشاهان، در نوروز به آن می‌پرداختند (جاحظ، ۱۳۸۶: ۲۱۵) و به اندازه‌ای اهمیت یافت که به دیوانی به نام «دیوان نوروز» برمی‌خوریم. (جاحظ، ۲۰۰۲: ۳۲۰) پس از اسلام و علیرغم عدم اعتنای خلفای اولیه به نوروز، در دوران حکومت بنی‌امیه، خلفا برای افزایش درآمد، پرداخت هدایای نوروزی را بر ایرانیان تحمیل کردند و هرچند عمر بن عبدالعزیز رسم هدیه دادن در نوروز و مهرگان را منسوخ کرد، (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۳۰۶؛ صولی، بی تا: ۲۱۹-۲۲۰) اما در زمان یزید بن عبدالملک این امر دوباره احیا شد. (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۳۱۳). پس از سقوط امویان و با روی کار آمدن بنی‌عباس، از یکسو در پی نفوذ برمکیان و سایر وزرای ایرانی و از سوی دیگر پیدایی سلسله‌های محلی مثل طاهریان، صفاریان، سامانیان و آل‌بویه در سراسر قلمرو خلفا، نفوذ فرهنگی ایرانیان گسترش پیدا کرد و

به تبع این نفوذ برخی جشن‌ها به خصوص نوروز به همراه آداب و آیین‌های مربوط به آن رواج پیدا کرد. (فقیهی، ۱۳۶۵: ۶۳۰)

در عصر صفوی نوروز بسیار ارجمند شد؛ به طوری که مراسم آن را به طرزی باشکوه بر پا می‌داشتند. تشریفات نوروز به خصوص از زمان شاه‌عباس اول به بعد افزوده شد؛ به گونه‌ای که در هر شرایطی به برپایی آن دستور می‌داد و حتی در سالی که عاشورا با نوروز مقارن گشت، دستور داد که روز اول عزاداری برگزار شد و روز دوم جشن نوروز را بر پا کردند.^۱ (اسکندریگ، ۱۳۷۷: ص ۱۳۶۶). اسکندر بیگ ضمن گزارش جنگ‌های شاه‌عباس اول با عثمانی از برپایی جشن نوروز و تعطیلی جنگ شرح داده است. (اسکندریگ، ۱۳۷۷: ص ۱۱۶۵)

دلاواله که در عصر شاه‌عباس اول به ایران سفر کرده ضمن بیان این مسئله که ایرانی‌ها آغاز بهار را نوروز گفته و جشنی را با آداب ویژه برگزار می‌کردند، (دلاواله، بی‌تا: ۴۰) بیان داشته که در این روز امرای جدید تعیین و انتصاب داروغه یعنی حاکم شهر نیز انجام می‌شده است. (دلاواله، بی‌تا: ص ۲۰۳). اولتاریوس در سفرنامه خود شرح داده است که ایرانیان سال خود را با توجه به حرکت خورشید و ماه تعیین می‌کردند و بنابراین دارای سال شمسی و قمری توأمان بودند. او از این مسئله که بر اساس خورشید نیز سال محاسبه می‌شده سخن گفته است که به آن سال خورشیدی گفته و سن خود را با آن تعیین می‌کردند. مثلاً می‌گفتند من این تعداد نوروز سن دارم (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۳۱۰) به نقل وی، در لحظه تحویل سال چند تیر توپ شلیک و بر فراز دیوارهای شهر و برج‌ها شیپور و طبل زده می‌شد و به این ترتیب جشن با شادی بزرگی آغاز می‌گشت و روز بعد نیز خان به همین ترتیب جشن را ادامه می‌داد. (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ص ۸۰).

۲-۱. شواهد پیوند نوروز با غدیر در عصر صفوی

بر اساس یک تقسیم‌بندی، شعائر شیعی در عصر صفوی، به عنوان عصر بازیافت وحدت ملی ایران بعد از اسلام، در دودسته مراسم خود را نشان داد؛ دسته اول که بسیار رونق پیدا کرد شامل عزاداری‌ها بود و دسته دوم شامل مراسم جشن برای روزهای ولادت ائمه‌معمو ایام خاص شیعیان از جمله غدیر (نوروزی، ۱۳۹۱: ۴۳) بر طبق تقسیم دیگری، در این عصر دو دسته آداب جمعی

۱. «بعد از فراغ خاطر از لوازم تعزیه و سوگواری ... به دستور معهود در باغ نقش جهان امر قضا نفاذ به ترتیب جشن عالی به صدور پیوست و امرا عالی‌مقدار از وزراء و مقربان درگاه والا و اهالی و اعیان قلمرو همایون ... هر یک در محلی مناسب طرح جشن عالی انداختند».

وجود داشت؛ بخش اول ریشه قومی، نژادی داشت مثل اعیاد نوروز و مهرگان و بخش دوم شامل آداب دینی می‌شد که در سه قسمت مناسک، اعیاد و عزاداری‌ها نمود پیدا کرد. (گودرزی، ۱۳۸۷: ۳۰۰) در این بین، ارائه تعبیر مذهبی از عید باستانی نوروز از جمله مهم‌ترین جلوه‌ها و شعائری بود که صفویان با شناختی آگاهانه در ترویج آن تلاش داشتند تا به دنبال این مطلب ضمن اینکه هویتی معنوی از خود ارائه دهند، موجبات تحکیم هویت سیاسی این دوران را نیز فراهم سازند؛ لذا نوروز در این عهد رونق و شکوه عظیمی پیدا کرد. (اذکایی، ۱۳۵۳: ص ۱۸)

۲-۱-۱. پیوند نوروز و غدیر در برخی مصادر حدیثی عصر صفوی

مبحث نوروز قبل از عصر صفوی در منابع شیعه وجود داشته است؛ با تأکید بر این مسئله که پیش از این حکومت، نوروز در منابع شیعه به عنوان روزی مقدس شناخته می‌شد و در کتب ادعیه برای آن اعمال خاصی ذکر شده است. (نبئی، ۱۳۸۳: ۱۳۶) در ادامه به مهم‌ترین این منابع اشاره می‌شود: در *رجال نجاشی* از کتابی با عنوان *ما روی فی یوم النیروز* یاد شده است که متعلق به ابوالحسن نصر بن عامر (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۲۹) است. بعد از آن در کتب روایی شیعه از جمله *من لا یحضره الفقیه* شیخ صدوق، احادیثی در مورد نوروز به چشم می‌خورد؛ از جمله حدیثی از امام علی مرعینی بر اینکه «اصنعوا کل یوم نیروزا»؛ «هرروز را نوروز کنید». (شیخ صدوق، ۱۳۶۳: ج ۳، ص ۳۰۰) همچنین جواز پذیرش هدایای نوروزی از سوی مسلمانان به یکدیگر بنا بر سخنی از امام صادق (شیخ صدوق، ۱۳۶۳: ج ۳، ص ۳۰۱) در این بین مهم‌ترین منبعی که در رابطه با ذکر اعمال خاص برای نوروز سخن گفته است، *مصباح المتهجد* شیخ طوسی است که حدیثی از معلی بن خنیس نقل کرده است به این مضمون: «روی المعلی بن خنیس عن مولانا الصادق ع فی یوم النیروز قال: اذا کان یوم النیروز فاغتسل و البس أنظف ثیابک و تطیب بأطيب طیبک و تکون ذلک الیوم صائماً فاذا صلیت النوافل و الظهر و العصر، اصل اربع رکعات، تقرأ فی اول رکعة فاتحة الكتاب و عشر مرآت انا انزلناه و...». (طوسی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۸۳)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در منابع یادشده، غیر از مسئله تقدس نوروز، صحبتی از پیوند میان این عید با واقعه غدیر وجود ندارد. نخستین منبعی که در آن رویداد غدیر در پیوند با نوروز واقع شد، متعلق به احمد بن محمد بن فهد حلی (م ۸۴۱) است که ضمن نقل سخن شیخ

طوسی، ارائه مفصل‌تری از حدیث معلی بن خنیس داده است که بنا بر آن نوروز، روزی است که: رسول خدا، برای امام علی ع در غدیر پیمان گرفت و مردم به ولایت او اعتراف کردند؛ روزی که خداوند سبحان امام علی ع را به وادی جن فرستاد و او از آنها عهد و پیمان گرفت. روز غلبه امام ع بر خوارج و کشتن ذوالثدیه و روزی که قیام قائم و پیروزی او بر دجال خواهد بود و...» (ابن فهد، ۱۴۰۷: ج ۱، صص ۱۹۴-۱۹۷) در ادامه این حدیث، نقل دیگری نیز از معلی روایت شده است و به جز آنکه نوروز را روزی دانسته که علی ع بر دوش پیامبر رفت و بت‌های قریش را شکست، روایتی که حاکی از پیوند این روز با غدیر و قیام امام زمان در آن باشد ارائه نشده است. (ابن فهد، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۹۵).

در عصر صفوی مجموعه‌ای حدیث و روایت در چگونگی پیدایش نوروز و پیوند آن با غدیر ارائه شد که منزلت این جشن کهن را نزد شیعیان ایران بیش از پیش افزایش داد؛ در جلد ۵۹ بحار/انوار فصلی به نام «یوم النیروز و تعیینه» آمده است که اختصاص به طرح حدیث معلی بن خنیس از امام صادق ع در رابطه با تاریخچه نوروز و عظمت آن پرداخته است؛ آنچه در این کلام رنگ شیعی به این حدیث می‌دهد، مشابه همان سخن ابن فهد بود؛ مبنی بر اینکه در نوروز علی ع بر دوش پیامبر رفت، بت‌ها را شکست و به امر رسول خدا، اصحاب با علی ع به‌عنوان امیر مؤمنان بیعت کردند؛ «ان یوم النیروز هو الیوم الذی اخذ فیہ النبی لامیر المومنین العهد بغدیر خم فاقروا له بالولایه». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۹، ص ۱۱۹). در این روز است که قائم ظهور خواهد کرد و اهل بیت‌عذر آن متوقع فرج بودند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۹، ص ۹۳). این روایت در *مفاتیح الجنان* در بابی درباره اعمال نوروز نیز آمده است. (قمی، ۱۳۶۸: ۵۳۱). بر همین اساس است که نویسنده‌ای در عصر شاه اسماعیل اول آورده است: «مقدم نوروز نزد متابعان مذهب علیّه امامیه به لطف میمنت و حسن تیمن فیروز است». (امینی، ۱۳۸۶: ۳۶۱)

با نگاهی به مبحث نوروز و نوروزنامه نویسی در این مقطع زمانی، شاهد هستیم که

۱. «ما حدثنی به المولی السید المرتضی العلامه بهاء الدین علی بن عبدالحمید النسابة دامت فضائله، ما رواه بأسناده الی المعلی بن خنیس عن الصادق ع: ان یوم النیروز، هو الیوم الذی أخذ فیہ النبی لامیرالمؤمنین مذ العهد بغدیر خم، فأقروا له بالولایه، فطوبی لمن ثبت علیها و الویل لمن نكثها و هو الیوم الذی وجّه فیہ رسول الله علیاً ع الی وادی الجن، فأخذ علیهم العهود و الموائیق؛ و هو الیوم الذی ظفر فیہ بأهل النهروان و قتل ذالثدیه و هو الیوم الذی یتظهر فیہ قائمنا أهل البیت و ولاء الامر و یظفره الله تعالی بالدجال، فیصلبه علی کناسه الکوفه؛ و ما من یوم نیروزاً ألا و نحن نتوقع فیہ الفرج...».

روحانیان برجسته‌ای چون علامه مجلسی^۱ و ملا محمدباقر خاتون آبادی در این وادی، قلمفرسایی کرده‌اند. همانگونه که آمد علامه مجلسی، بخش قابل توجهی از مجلد ۵۹ مجموعه عظیم بحار/الانوار خود را به نوروز اختصاص داد و در آن با ذکر حدیث معلی بن خنیس، بر پیوند میان نوروز و تشیع صحه نهاد؛ از سوی دیگر می‌توان از ملا محمدباقر اسماعیل خاتون آبادی نام برد که به عنوان نخستین ماباشی و نخستین مدرس مدرسه چهار باغ به نگارش نوروزیه پرداخت. (جعفریان، ۱۳۷۶: ج ۶ ص ۷۰۰) خاتون آبادی سه مبحث رساله نوروزیه خود را به روز غدیر، آداب نوروز و خبر معلی بن خنیس در رابطه با پیوند میان نوروز و غدیر اختصاص داد. در واقع در عصر صفوی، روحانیان شیعی نقش بی بدیلی در نزدیک کردن این جشن کهن با مهم‌ترین مظاهر شیعی ایفا نمودند. توجه این روحانیان برجسته به مسئله پیوند نوروز و تشیع، قطعاً توجه پادشاه، ارکان دولت، مذهب‌یون و نیز سایر طبقات مردم را که به شدت تحت تاثیر اندیشه‌ها و نظرات روحانیان بودند، به خود جلب می‌کرد. هدف این روحانیان برجسته از این اقدام را می‌توان در تلاش ایشان جهت مستحکم نمودن توأمان مفاهیم دینی و ملی دانست.

تأثیر این اندیشه‌ها بر جامعه شیعی چنان عمیق بود که هاتف اصفهانی شاعر دوران افشار و زند که پدراش در دوران صفویه از اردوباد آذربایجان به اصفهان کوچیدند، در بیت پانزدهم شعری آورده است^۱:

همایون روز نوروز است امروز و به فیروزی
شهنشاه غضنفر فر، پلنگ آویز از در در
بر اورنگ خلافت کرده شاه لافتی مأوا
امیر المومنین حیدر علی عالی اعلی
(هاتف اصفهانی، ۱۳۱۲: ۹)

و نیز در سفرنامه‌ای که از قرن سیزدهم (سال‌های ۱۲۳۰-۱۲۳۲) در دست داریم، روز اول بهار یا همان نوروز برابر است با عید غدیر و نویسنده از اینکه در چنان روزی در مدینه حضور داشته بر خود بالیده و آن را عید مؤمنین نام نهاده است؛ در بخشی از این شعر چنین آمده است:

۱ مطلع شعر مورد نظر با این بیت شروع می‌شود:

نسیم صبح عنبر بیز شد بر توده غیرا
زمین سبز سرین خیز شد چون گنبد خضرا

در اینجا دگر یک خوشی روی داد که از اتفاقات عید اوفتاد
پیاپی بده رطل‌های نشاط در اینجا بده زود از انبساط
که این عید به از همه عیدها بود شیعیان را ز امیدها
مُغنی بگو تا برآرد سرود ز چنگ و دف و بریط و نای و عود
بده ساقیا می که آمد بهار بدین آرزو بود لیل و نهار
که جشن است امروز در خاص و عام ز قعر زمین تا به عرش عظام

که امروز شاهنشاه ذوالفقار وصی محمد شه نامدار

نشسته به جای رسول امین مشرف شده مسند شاه دین

(هندی کرناطکی، ۱۳۸۶: خاتمه کتاب).

در عصر قاجار نیز، ارتباط میان نوروز و تشیع برقرار ماند؛ هرچند گاه در شکلی دیگر. به‌عنوان نمونه طبق نقلی در این دوران، نوروز که در کنار عید غدیر به عنوان «عید خاص» یاد شده، همزمان با کشته شدن خلیفه سوم و به خلافت نشستن حضرت امیر م‌روی داده است (فشارکی، ۱۳۷۷ق: ۲۴۲)

۲-۱-۲. گزارش سفرنامه‌های عصر صفوی از پیوند نوروز و غدیر

از مظاهر شکوه برپایی نوروز در عصر صفوی، بازتاب این جشن در سفرنامه‌های آن دوران است. برخی از این سفرنامه‌ها به پیوند میان نوروز و آموزه‌های شیعی اشاره کرده‌اند. اما با صورت خاص از پیوند این جشن باستانی با غدیر سخن به میان نیاورده‌اند. به عنوان نمونه کمپفر، ضمن اینکه نوروز را بزرگ‌ترین و درخشان‌ترین جشن ایرانیان در این عصر دانسته (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۸۳) در توصیف آغاز جشن نوروز چنین آورده است: «پس از اعلام نوروز، در میادین عمومی، نقاره، شیپور و سنج از نیمه‌شب تا ظهر نوازندگی می‌کنند، پس از آن مردم بلافاصله محل کار خود را ترک می‌گویند و همه با هیاهو و خوشحالی به **مساجد**، میادین و ساختمان‌های عمومی روی می‌آورند و به هم تبریک می‌گویند...قلیان و چیق می‌کشند و آن‌را دست‌به‌دست می‌گردانند و هر کس یک پک کوچک به آن می‌زند. شعرا و هنرپیشگان عرض هنر کرده و در **جلسات و دسته‌های مذهبی** شرکت می‌کنند». (کمپفر، ۱۳۶۰: ص ۱۸۴). این نقل به خوبی گویای این مسئله است که جشن نوروز در عصر صفوی رنگی ملی - مذهبی داشت.

اما سفرنامه ای که به صورت مشخص از پیوند نوروز و غدیر سخن به میان آورده است سفرنامه شاردن است. او پس از ذکر پاره‌ای اطلاعات در رابطه با نوروز و تاریخچه آن، به بیان

این ویژگی های این جشن در عصر صفوی پرداخته و از تقارن جانشینی امام علی ع با نوروز به عقیده شیعیان سخن گفته است:

«برای اینکه اساس و بنیان عید نوروز استحکام بیشتر یابد و مدام پایدار و برقرار بماند شیعیان می گویند درست به هنگام تحویل آفتاب به برج حمل یعنی نخستین روز نوروز حضرت پیغمبر در اجتماع مسلمانان حضرت علی ع را به جانشینی خود نصب کرده است و می توان گفت از میان همه اعیاد و سوگواری های مسلمانان که برحسب گاه شماری ماه های قمری معین می شود، عید جانشینی حضرت علی ع یگانه عیدی است که موافق سال های شمسی تعیین می گردد. در این رباعی به این نکته اشاره شده است: بهار درحالی که لاله ای بسان ساغر در کف گرفته جلوه گر آمده است تا در سپیده دمان بر مزار شاه نجف نثار کند. در این روز نو علی ع بر مسند پیغمبر جایگزین شده؛ بدین سبب نوروز خجسته و فرخنده است». (شاردن: ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۴۵۲).

۳-۱-۲. پیوند نوروز و غدیر در عصر صفوی بر اساس الذریعه الی تصانیف الشیعه

از جمله آثاری که آقابزرگ تهرانی در مجموعه الذریعه الی تصانیف الشیعه به معرفی آن همت نهاد، تألیفاتی در زمینه نوروز است. شمار قابل توجهی از نوروزنامه ها در عصر صفوی به نگارش درآمده اند. با مطالعه توضیحات آقا بزرگ در مورد نوروزنامه های عصر صفوی به خوبی می توان پیوند شکل گرفته میان این جشن کهن با غدیر و مباحث شیعی را دریافت:

۱- پرداختن به مبحث پیوند غدیر و نوروز: نخستین نوروزنامه ای که آقابزرگ به معرفی آن پرداخته رساله ای است، به زبان فارسی در تقویم مختصر، آداب و حکایات مربوط به نوروز از حکیم عمر خیام (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۸۰). که با مطالعه آن هیچ مطلبی حاکی از پیوند نوروز با جشن غدیر در این کتاب یافت نشد. بین نوروزنامه خیام تا عصر صفوی نیز هیچ گزارشی از وجود کتابی با رگه های شیعی در باب نوروز از سوی آقابزرگ معرفی نشده است؛ تا اینکه با ورود نوروزنامه نویسی به عصر صفوی، پای اندیشه های شیعی نیز به این موضوع باز می شود. در اوایل قرن یازدهم رساله ای به نام «نوروز و سی روز» از محسن بن مرتضی مشهور به فیض

کاشانی به زبان فارسی در شرح حدیث معلی بن خنیس از امام صادق ع در خواص عید نوروز و اسماء سی روز ماه روایت شده است. حدیثی که بر مبنای آن پیوندی عمیق بین واقعه غدیر با نوروز برقرار شده بود. در *نوروزنامه* تألیف محمدباقر خاتون‌آبادی این پیوند به گونه بسیار روشنی دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که نویسنده، سه مبحث پشت سر هم را به روز غدیر، آداب نوروز و خبر معلی بن خنیس اختصاص داد (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۸۲). *نوروزیه* مولی محمدجعفر سبزواری نیز فصل دوم خود را به فضل نوروز و فصل سوم را در ادعیه و اعمال آن اختصاص داده است (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۸۲).

۲- ردیه نویسی در اثبات پیوند غدیر و نوروز: در الذریعه و در مبحث مربوط به نوروزنامه نویسی به موارد ردیه نویسی برمی‌خوریم (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۸۱)؛ اما آنچه مربوط به بحث ماست اینکه تعدادی از این ردیه‌ها در رد یا اثبات ارتباط نوروز با جشن غدیر تألیف شد؛ مثل رساله «النوروز» از محمدابراهیم حسینی در دفاع از تقدیس نوروز نزد شیعیان و تأیید آن؛ «یؤیدیه‌ها تقدیس یوم النوروز عند الشیعه». این رساله علیه نوروزیه قاضی نوشته شد (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۷۹). رساله «النوروزیه» از ملاباقر بن اسماعیل کجوری به زبان فارسی و در *رد نواقص الروافض میر مخدوم* نوشته شد که در آن به انکار غدیر و نوروز پرداخته بود. ملاباقر رساله خود را در ۸۰۰ بیت سرود (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۸۳۲).

۳- نگارش نوروزنامه به نام سلاطین صفوی: بر اساس آنچه در الذریعه پیرامون معرفی نوروزنامه‌ها وجود دارد، تا قبل از دوره صفوی هیچ نوروزنامه‌ای به نام خلفا یا سلاطین تألیف نشده است. اما در این دوران تألیفاتی به نام سلاطین صفوی نوشته شد. نکته اینجاست که این رساله‌ها یا در دوران تثبیت این سلسله و یا زوال آن نگاشته شده‌اند. یک نمونه مربوط به دوران تثبیت حکومت صفوی گزارش شده با عنوان «النوروزیه» از مؤلفی گمنام که به نام شاه‌طهماسب صفوی تألیف شد. (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۷۹). اما رساله‌های دیگر مربوط هستند به عصر افول این سلسله و دوران نشیب آن؛ از جمله «نوروز نامه» از سیدابراهیم حسینی و تألیف آن به نام شاه سلیمان (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۷۹)، «نوروز نامه» از محمدباقر خاتون‌آبادی حسینی به نام شاه سلیمان (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۷۹)، «نوروزیه» از اسماعیل بن محمدباقر خاتون‌آبادی به نام شاه سلیمان (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۸۲)، «نوروزیه» از محمدتقی بن

محمد رازی به نام شاه صفی (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۸۲)، رساله «نوروزیه» از مولی محمدجعفر سبزواری تألیف به نام شاه سلطان حسین صفوی (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۸۲) و «نوروزیه» از عمادالدین محمد یا محمود تألیف به نام سلطان حمزه میرزا (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۸۳). بر این اساس می‌توان ادعا کرد که هرگاه این سلسله برای تحکیم هویت خود نیاز به پشتوانه ملی-دینی داشته است، نوروزنامه‌ها یکی از اهرم‌های مورد استفاده برای تطمیع جماعت شیعی بوده است. در واقع همان طور که پیش از این بیان شد، در برخی از این نوروزنامه‌ها مانند نوروزیه محمدباقر خاتون آبادی که به نام شاه سلیمان تألیف شده بود، به صورت ویژه به پیوند میان نوروز و رویداد غدیر پرداخته شده است. نیز رساله «النوروز» از محمدابراهیم حسینی که باز هم به نام شاه سلیمان به نگارش درآمده است، با عنوان «یوئیدیها تقدیس یوم النیروز عند الشیعه»، در دفاع از تقدیس نوروز نزد شیعیان و تأیید آن است. (تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۲۴، ص ۳۷۹)

نوروزنامه‌ها در «الذریعه الی تصانیف الشیعه»

عنوان	مؤلف	موضوع	تاریخ	زبان	تألیف به نام
نوروزنامه	عمر خیام	رساله‌ای در تقویم و حکایات و آداب نوروز	قرن پنجم	فارسی	
نوروزیه	خواجه نصیرالدین	نظم حدیث معلی بن خنیس	قرن ششم	فارسی	
گل و نوروز	کمال‌الدین ابو العطا معروف به خواجه	مثنوی عاشقانه عارفانه شامل ۳۲۰۰ بیت	قرن هشتم	فارسی	در پایان مثنوی، مدح تاج‌الدین عراقی شده است
نوروزیه	جمعی از نویسندگان	در باب نوروز و آداب آن	قرن دهم	فارسی	به نام شاه‌طهماسب

نوروزیه	عمادالدین محمد	رساله در باب نوروز و آداب آن	قرن دهم	فارسی	به نام حمزه میرزا
نوروزیه	عمادالدین طیب	کیفیت اعمالی که در نوروز به حسب سنت و طب باید به عمل آید	قرن یازدهم	فارسی	
گل و نوروز	میرزا دولت، رضا بیگ گنجی		قرن یازدهم	فارسی	
نوروز	سید محمد ابراهیم حسینی	رساله‌ای در باب نوروز و در دفاع از تقدیس نوروز نزد شیعیان و در رد نوروزیه قاضی	قرن یازدهم	فارسی	به نام شاه سلیمان
نوروزیه	اسماعیل خاتون‌آبادی	رساله‌ای در شرح نوروز با یک مقدمه، دوازده باب و خاتمه	قرن یازدهم	فارسی	به نام شاه صفی
نوروز و سی روز	فیض کاشانی	شرح حدیث معلی بن خنیس	قرن یازدهم	فارسی	

	فارسی	قرن یازدهم	در بیان ایام نجومی بین هند و فارس	خواجه محمد ترمذی	نوروزنامه
	فارسی	قرن یازدهم	<u>ردیه ای بر</u> <u>نواقض</u> <u>الروافض اثر</u> <u>میر مخدوم</u> <u>که در آن</u> <u>غدیر و</u> <u>نوروز را</u> <u>انکار کرده</u> <u>بود</u>	<u>ملاً باقر بن</u> <u>اسماعیل کجوری</u>	<u>نوروزیه</u>
به نام شاه صفی	فارسی	قرن دوازدهم	رساله‌ای در باب نوروز با یک مقدمه، سه فصل و خاتمه	محمدتقی بن محمدرضا رازی	نوروزیه
به نام شاه سلطان حسین	فارسی	قرن دوازدهم	در <u>تقویم</u> ، <u>اخبار و</u> <u>احادیث</u> <u>نوروز</u>	<u>محمدباقر بن</u> <u>اسماعیل</u> <u>خاتون‌آبادی</u>	<u>نوروزنامه</u>
به نام شاه سلطان حسین	فارسی	قرن دوازدهم	رساله در <u>تسمیه نوروز</u> ، <u>فضل نوروز</u> ، <u>ادعیه و</u> <u>اعمال نوروز</u>	<u>مولی محمدجعفر</u> <u>شریف سبزواری</u>	<u>نوروزیه</u>

نوروزیه	میرزا محمد مهدی	در رد نوروزیه اسماعیل خواجویی	قرن دوازدهم	فارسی	
---------	-----------------	----------------------------------------	----------------	-------	--

۲-۲. علل پیوند نوروز با آموزه های شیعی در عصر صفوی

این سؤال مطرح است که چه عللی سبب قوت گرفتن پیوند نوروز و مظاهر شیعی بالاخص جشن غدیر در عصر صفوی شده است؟ با تأملی در سفرنامه‌های این دوران که نمایی از آن‌ها پیش از این آمد و نیز آنچه آقابزرگ در الذریعه در رابطه با نوروزنامه‌ها گزارش کرده است، می‌توان عواملی را دخیل دانست:

۱- **تحکیم و گسترش تشیع:** زمانی که برای اولین بار در قرن نهم و توسط ابن فهد حلی، نوروز با تشیع گره خورد، این مذهب از موقعیت خوبی در ایران بهره‌مند بود. برخی سلسله‌های کوچک و بزرگ شیعی از جمله مرعشیان مازندران، مشعشعیان خوزستان، سربداران خراسان و ... در گوشه و کنار ایران و پیش از تشکیل دولت صفویه جان گرفته بودند. در عصر ایلخانی نیز ضمن گرایش شیعی چند تن از ایلخانان مغول، به جهت تسامح مذهبی که مغولان تا حدود زیادی به آن قائل بودند، تشیع مجال رشد پیدا کرده بود. در واقع، زمینه برای ظهور صفویان مهیا بود؛ در این بین پیوند میان یکی از کهن‌ترین و باارزش‌ترین اعیاد ایرانی، یعنی نوروز، با مسئله امامت و ظهور دوازدهمین امام شیعیان، می‌توانست تحولی بزرگ در آن روزگار به شمار آید؛ تلفیق بزرگ‌ترین جشن ملی با بزرگ‌ترین جشن شیعی یعنی غدیر، می‌توانست برای ایرانیان کشش عظیمی به سمت تشیع ایجاد نموده و به تحکیم و گسترش این مذهب کمک بزرگی داشته باشد.

۲- **مقابله با دولت عثمانی:** صفویان به‌عنوان منادیان تشیع، در مقابل عثمانیان سنی مذهب قرار داشتند و تمام توان خود را نیز برای به‌زانو درآوردن رقیب به کار بستند. در این بین،

توجه پادشاهان شیعی مذهب صفوی به نوروز به عنوان یکی از ابزار حفظ هویت ملی مذهبی به خصوص در برابر دشمنان سنی مذهب عثمانی، می توانست عامل مهمی در انسجام هویت ملی در مقابل بیگانگان سنی مذهب باشد.

۳- **بهره‌مندی از هدایای نوروزی:** پیش از اسلام، هدایای نوروزی بیشتر جنبه عاطفی و انسانی داشت. اما در دوران خلفای بنی امیه، تبدیل به مالیات نوروزی شد که نه با میل و رضا، بلکه با زور و فشار از همه طبقات وصول می شد و از آنجا که این مالیات را خلفا و امرا نه برای بیت‌المال بلکه برای خود جمع می کرده‌اند، در تمام سال، موسم آن را انتظار می کشیدند. (محمدی مالیری، ۱۳۸۲: ص ۱۹۹). در خلافت معاویه هدیه نوروز و مهرگان که وصول می کرد به پنجاه میلیون رسید (یعقوبی: بی تا: ج ۲، ص ۲۱۸). این وضع تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز ادامه یافت و هر چند عمر گرفتن هدیه نوروز و مهرگان را به عنوان مالیات منع کرد، (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۳۰۶)؛ صولی، ۲۰۰۲: ۲۹) ولی پس از او یزید دوم دوباره آن را برقرار ساخت.^۱ (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۳۱۱) این رویه در زمان بنی عباس نیز ادامه داشت و مالیات نوروز دریافت می شد. (زیدان، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۳۲۵)

با رسیدن حکومت به صفویان، این دولت شیعی به درآمد ناشی از هدایای نوروزی نیاز داشت؛ اما توسل به زور جهت کسب این هدایا م توانست چهره ناپسندی از این دولت ترسیم نماید و لذا پیوند دادن این جشن کهن با عقاید شیعی راهکاری بود که برای شاهان صفوی اهمیتی دوچندان پیدا می کرد؛ در واقع، پرداخت هدایای نوروزی به خزانه شاه از سوی طبقات مختلف اجتماع و نیز پرداخت‌های زیردستان به صاحب‌منصبان، امری مسلم بود و قطعاً پیوند میان نوروز و غدیر و روزی که شیعیان انتظار ظهور امام زمان خود را می کشیدند، سبب می شد این پرداخت‌ها با رغبت و اشتیاق بیشتری صورت پیدا کند. تاورنیه، ضمن شرح اهدای هدایا از سوی بزرگان به شاه در این روز، می گوید: «در این روز شاه ثروت گزافی به دست

۱. «... و روی عن محمد بن كعب القرظی قال اخبرني اهل الارض بالعراق انه بلغ الخراج على عهد عمر و عثمان رحمهما الله مائة ألف ألف، فاما ولي معاوية صار الى خمسين ألف ألف و هدایا النوروز و المهرجان الف ألف لنفسه و كان قد اصطفى أموال كسرى فكان فيها و يصل و يجيز من يشاء، ثم بلغ الخراج في فتنة ابن الزبير ستين ألف ألف و هدایا النوروز و المهرجان و صواف نحو عشرين ألف ألف، فاما ولي الحجاج صار إلى أربعين ألف ألف و ما كان يصل الى ذلك الا بضرب الابدان...» (صولی، ۲۱۹-۲۲۰)

می‌آورد». (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۶۳۵)

شاردن در همین زمینه آورده است:

«پس از حلول سال نو، بزرگان و اعیان در حالی که تاج کوچکی بر سر نهاده‌اند، برای گفتن مبارک‌باد و تهنیت به حضور شاهنشاه شرفیاب می‌شوند و هر یک تحفه‌ای لایق و شاهوار که می‌تواند جواهر، پارچه‌های گرانبها، عطرها یا خوشبود یا چیزهای کمیاب باشد تقدیم می‌کند. بیشتر آنان طلا به حضور می‌آورند و نثار می‌کنند... و معمولاً هر کدام پانصد تا چهار هزار دوکا تقدیم می‌کند. حاکمان و بزرگان ایالات و ولایات نیز به نسبت موقع و مقام و توانایی مادی خویش تحف و هدایایی به پیشگاه شاه می‌فرستند و به وسایلی تبریک و تهنیت می‌گویند. هیچ‌کس از بزرگان و صاحبان مقامان انجام دادن این مراسم را فراموش نمی‌کند و معمولاً ارزش این هدیه‌ها در تعیین مقام و منصب کسانی که آن‌ها را تقدیم کرده بسیار مؤثر است. بدین گونه در روزهایی که جشن نوروز برقرار است خزانه پادشاه معمور می‌گردد». (شاردن: ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۴۵۲).

نکته جالب اینجاست که پرداخت هدایا از سوی زیردستان به ثروتمندان صورت می‌گرفته است. (شاردن: ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۴۵۳). چه عاملی می‌توانست همچون پیوند میان نوروز با عید غدیر، رعایای شیعه مذهب ایرانی را در پراخت هدایای نوروزی، راغب و مشتاق نماید؟ شاید بتوان گفت هیچ عاملی مانند مذهب نمی‌توانست در این زمینه کارآمد شود.

۴- استحکام نوروز: نوروز، جشنی بود که ریشه در آیین‌های پیش از اسلام داشت. با غلبه آموزه‌های شیعی بر دولت و جامعه ایرانی، امکان رنگ باختن آن دور از وقوع نبود؛ اما نوروز و به‌خصوص اهمیتی که هدایای حاصل از این آیین برای خزانه دولتی داشت، می‌طلبید تا از افول آن جلوگیری به عمل آید و در این بین چه چیزی بهتر از پیوند این جشن کهن با بزرگ‌ترین عید شیعی یعنی غدیر می‌توانست راهگشا باشد؟ پیش از این نیز بیان شد که شاردن یکی از اهداف شاهان صفوی در پیوند میان نوروز و غدیر را استحکام این جشن باستانی می‌دانست.

نتیجه

شعائر دینی و مراسم ملی، از مهم‌ترین مظاهر هویت یک ملت محسوب می‌شوند که از تلفیق

این دو می‌توان نمایی از اتحاد ملی را به نمایش در آورد و نوروز به عنوان جشن کهن ایرانی توانست در عصر صفوی در اتحاد با مهم‌ترین آموزه‌های شیعی همچون غدیر، جلوه‌ای از هویت ایرانی - شیعی شود. پیوند میان جشن نوروز و غدیر در عصر صفوی بر پایه شواهدی قابل تشخیص است؛ گزارش برخی مصادر حدیثی مانند بحار/الانوار، سفرنامه‌های عصر صفوی، و گزارش‌های موجود در الدرریه الی تصانیف شیعه، نشان از پیوند میان نوروز و رویداد غدیر در عصر صفوی دارد. در باب علل ارتباط برقرار کردن میان واقعه غدیر با نوروز می‌توان چند تحلیل ارائه داد؛ اگر نوروز، به عنوان یکی از مهم‌ترین آیین‌های ملی، با غدیر، به عنوان بزرگترین رویداد شیعی تلفیق می‌شد، می‌توانست در تثبیت تشیع و گسترش آن مؤثر واقع شود؛ از سوی دیگر، مقابله با دولت سنی مذهب عثمانی و لزوم استفاده صفویه از تمام اهرم‌های ملی - مذهبی جهت مقابله با آن، پیوند میان نوروز و غدیر را توجیه پذیر می‌نمود؛ علت دیگر را می‌بایست در بهره‌مندی از هدایای نوروزی که خزانه شاه را لبریز می‌کرد، جستجو نمود. در واقع مقارن سازی نوروز با رویداد غدیر و نیز زمانی که شیعیان متوقع ظهور امام عصر بودند، می‌توانست ایرانیان شیعی را در پرداخت هدایای نوروزی به گونه‌ای راغب کند که با جان و دل این پیشکش را نثار شاهان صفوی نمایند؛ ضمن اینکه، تلاش جهت حفظ نوروز که به عنوان جشنی ریشه‌دار در آیین‌های پیش از اسلام امکان افول تدریجی آن دور از وقوع نبود، می‌طلبید تا صفویه به منظور بهره‌مندی از منافع مالی این جشن کهن، از کمرنگ شدن آن جلوگیری کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن بابویه، محمد (شیخ صدوق) (۱۳۶۳)، من لا یحضره الفقیه، مقدمه و تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، الاسلامی.

- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷)، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، قم، الاسلامی،
- اذکایی، پرویز (۱۳۵۳)، *نوروز، تاریخچه و مرجع‌شناسی*، تهران، مرکز مردم‌شناسی ایران.
- اسکندربیک (۱۳۷۷)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.
- امینی، ابراهیم بن میر جلال الدین (۱۳۸۳)، *فتوحات شاهلی* (تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰)، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اولئاریوس (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه و حواشی احمد بهپور، تهران، ابتکار.
- تاورنیه (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه ابوتراب نوری با تصحیح حمید شیرانی، اصفهان، انتشارات کتابخانه ساعی.
- تهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۸)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالأضواء
- جاحظ، عمرو بن بحر (۲۰۰۲)، *المحاسن و الاضداد*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۳۸۶)، *تاج*، تهران، آشیانه کتاب.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۶)، *میراث اسلامی ایران*، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- دلاواله، پیتر و (بی‌تا)، *سفرنامه*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۲)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیر کبیر.
- سیوری، راجر (۱۳۸۰)، *در باب صفویان*، ترجمه رمضان علی روح الهی، تهران، نشر مرکز
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
- صولی، محمد بن یحیی (۱۳۴۱)، *ادب الکتاب*، تحقیق محمد بهجه اثری، بغداد، المکتبه العلمیه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *مصباح المتهدد*، تحقیق حجت‌الاسلام ابوذر بیدار، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- فشارکی، محمداقرا (۱۳۷۷ق)، *عنوان الکلام*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۵)، *آل بویه و اوضاع زمان ایشان*، تهران، صبا.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۶۸)، *کلیات مفاتیح الجنان*، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، بی‌جا، ناد.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۶۸)، *نخستین انسان و نخستین شه‌ریار در تاریخ افسانه‌ای ایران*، ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار، تهران، نشر نو.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران، خوارزمی.

- گودرزی، حسین (۱۳۸۷)، **تکوین جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفویه**، تهران، تمدن ایرانی.
- مجلسی، محمدتقی (۱۳۸۶ ق)، **بحار الانوار**، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۸۲)، **تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی**، تهران، طوس.
- مسعودی، ابوالحسن علی (۱۳۴۴)، **التنبیه و الاشراف**، تحقیق عبدالله اسماعیل صاوی، قاهره، دارالصاوی.
- نبئی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، **گاه‌شماری در تاریخ**، تهران، سمت.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، **رجال النجاشی**، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- هاتف اصفهانی (۱۳۱۲)، **دیوان کامل**، به قلم عباس اقبال، ضمیمه سال چهاردهم مجله ارمغان، بی‌جا، ارمغان.
- هندی کرناطکی، محمد عبدالحسین (۱۳۸۶)، **تذکره الطریق فی مصائب حجاج بیت الله العتیق**، به کوشش رسول جعفریان و اسرا دوغان، قم، مورخ.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی‌تا)، **تاریخ**، بیروت، دار صادر.